

1072

۸۰

۱
۸۰
۲

بسم الله

آزادی سیاسی در اسلام
تأملی در آراء قاضی عبدالجبار و امام خمینی (ره)

شفیعی، محمود، ۱۳۴۸ -	مستطابسه
آزادی سیاسی در اسلام: تأملی در آراء قاضی عبدالجبار و امام خمینی / محمود شفیع،	عنوان
م: دانشگاه مفید، ۱۳۹۷	مختصات نشر
۳۳۱ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ - م.	مشخصات ناشری
۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹-۹۵۰۰	شابک
فقیه	وضعیت فهرست نویسی
کتابخانه	یادداشت
نمایه،	یادداشت
خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، - ۱۳۷۹	موضوع
۱۳۶۸، -- دیدگاه درباره اسلام و سیاست	موضوع
Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Views on Islam and politics.	موضوع
خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، - ۱۳۷۹	موضوع
۱۳۶۸، -- دیدگاه درباره آزادی	موضوع
Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Views on liberty	موضوع
قاضی عبدالجبار بن احمد، ۳۵۹-۱۱۱۰ ق. -- دیدگاه درباره اسلام و سیاست	موضوع
Abd-al-jabbar ibn Ahmad -- Views on Islam and politics	موضوع
قاضی عبدالجبار بن احمد، ۳۵۹-۱۱۱۰ ق. -- دیدگاه درباره آزادی	موضوع
Abd-al-jabbar ibn Ahmad -- Views on liberty	موضوع
آزادی -- جنبه های سیاسی	موضوع
Liberty -- Religious aspects -- Islam	موضوع
اسلام و سیاست	موضوع
Islam and politics	موضوع
دانشگاه مفید	شناسه افزوده
JC ۵۹۹/ ۱۳۹۷ ۷/۴	رده بندی کنگره
۳۳۳ ۴۴	رده بندی دیویی
۵۳۶.۶۷۳	کتابخانه ملی

آزادی سیاسی در اسلام
تأملی در آراء قاضی عبدالجبار و امام خمینی (ره)

محمود شفیعی





| آزادی سیاسی در اسلام |
| تأملی در آراء قاضی عبدالجبار و امام خمینی (ره) |
| محمود شفیعی |

ناشر	انتشارات دانشگاه مفید
چاپ	اشراق
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹۲-۹۵۰۰
چاپ اول	۱۳۹۸
شمارگان	۳۰۰ جلد
قیمت	۴۸۰۰۰ تومان

| entesharat@mofidu.ac.ir |

| قم - انتهای بلوار شهید صدوقی - دانشگاه مفید |
| تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۲۶ | | شماره: ۰۲۵-۳۲۹۳۵۱۷۷ | صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۶۱۱ |

تقدیم به روان پاک پدر و مادرم

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۳	درآمد
۱۶	طرح موضوع
۲۲	پی‌نوشت‌ها
	فصل اول: مباحث مفهومی / ۲۳
۲۵	مقدمه
۲۵	گفتار اول: آزادی سیاسی
۲۶	بحث اول: آزادی سیاسی در اندیشه‌ی جدید
۲۶	۱. انواع آزادی سیاسی
۲۶	۱. الف. آزادی فلسفی
۲۶	۱. ب. آزادی اخلاقی
۲۷	۱. ج. آزادی عرفانی
۲۷	۱. د. آزادی حقوقی
۲۷	۱. ه. آزادی سیاسی
۲۸	۱. ه. الف. قانون و آزادی سیاسی
۲۸	۱. ه. ب. شناخت و آزادی سیاسی
۲۹	۱. ه. ج. اراده و آزادی سیاسی
	۲. تعریف آزادی سیاسی
۳۲	بحث دوم: آزادی سیاسی در اندیشه‌ی اسلام
۳۲	۱. مسائل آزادی سیاسی
۳۵	۲. ماهیت آزادی سیاسی
۳۷	۳. تعریف آزادی سیاسی
۳۸	تحلیل و بررسی

۳۹	گفتار دوم: عدلیه و جبریه
۴۰	بحث اول: طرف داران عدلیه و جبریه
۴۲	بحث دوم: اصول عقاید عدلیه و جبریه
۴۴	تحلیل و بررسی
۴۵	گفتار سوم: معتزله
۴۵	بحث اول: نام گذاری معتزله
۴۸	بحث دوم: معتزله به عنوان فرقه ای تاریخی
۵۰	بحث سوم: معتزله در جایگاه مکتبی کلامی
۵۱	بحث چهارم: معتزله به عنوان گرایشی فکری - سیاسی
۵۲	بحث پنجم: مکتب بصره و بغداد
۵۴	گفتار چهارم: قاضی عبدالجبار (۹۳۵-۱۰۲۴م)
۵۷	گفتار پنجم: شیعه
۵۷	بحث اول: نام گذاری شیعه
۵۹	بحث دوم: شیعه به عنوان فرقه ای تاریخی
۶۰	بحث سوم: شیعه در جایگاه مکتبی کلامی
۶۱	بحث چهارم: شیعه به عنوان گرایشی فکری - سیاسی
۶۳	بحث پنجم: شیعیان عقل گرا و شیعیان اخباری
۶۶	گفتار ششم: امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸)
۷۱	پی نوشت ها
	فصل دوم: مبانی کلامی آزادی سیاسی / ۷۷
۷۹	مقدمه
۷۹	گفتار اول: آزادی شیعی امامی و آزادی اعتزالی جباری
۷۹	بحث اول: آزادی در تفکر کلامی - شیعی امام خمینی
۸۳	۱. ابطال تفویض «آزادی مطلق»
۸۴	۲. ابطال جبر
۸۵	۳. اثبات «امر بین دو امر»

۸۶	۴. خوبی ها از خدا و بدی ها از بندگان
۸۶	۵. معذور دوگانه‌ی جبر یا تسلسل
۸۷	۶. اراده‌ی واحد انسانی و نفی تسلسل
۸۸	۷. اضمحلال اراده‌ی انسان در اراده‌ی ازلای خدا
۸۸	۸. اراده‌ی ازلای خدا، سرمنشأ اراده‌ی انسان
۹۰	تحلیل و بررسی
۹۰	بحث دوم: آزادی در تفکر کلامی - اعتزالی قاضی عبدالجبار
۹۳	۱. مسدود کارهای انسانی از خود انسان
۹۶	۲. نقش فاعل در مدح و ذم، و ثواب و عقاب
۹۷	تحلیل و بررسی
۱۰۰	گفتار دوم: عقل شیعی امامی و عقل اعتزالی جباری
۱۰۲	بحث اول: عقل شیعی امام حنینی
۱۰۲	۱. حُسن و قُبَح عقلی
۱۰۶	۲. مخالفان عدلیه
۱۰۷	تحلیل و بررسی
۱۰۹	بحث دوم: عقل اعتزالی قاضی عبدالجبار
۱۱۰	۱. حُسن و قُبَح عقلی
۱۱۲	۲. عقل همگانی
۱۱۲	۲. حُسن و قُبَح عقلی و رابطه‌ی آن با تجربه
۱۱۳	۴. دوگانگی حُسن و قُبَح عقلی
۱۱۴	۵. رابطه‌ی حُسن و قُبَح با حرام و واجب
۱۱۵	تحلیل و بررسی
۱۱۹	پی‌نوشت‌ها
	فصل سوم: عقل‌گرایی، دین و دنیا / ۱۲۳
۱۲۵	مقدمه
۱۲۸	گفتار اول: عقلانیت اعتزالی جباری

۱۲۸	بحث اول: رابطه عقل و دین
۱۳۰	بحث دوم: تقدم عقل بر نقل
۱۳۶	بحث سوم: قلمرو کاربرد عقل
۱۳۸	بحث چهارم: عقل در عرصه‌ی نقد
۱۴۰	بحث پنجم: اجماع بین نقد و عصمت
۱۴۷	بحث ششم: وظیفه‌مندی ذاتی انسان یا نفی اباحه
۱۴۹	تحلیل و بررسی
۱۵۳	بحث هفتم: معرفت نسبی
۱۵۶	بحث هشتم: تصویب یا نفی تخطئه
۱۵۹	تحلیل و بررسی
۱۶۵	گفتار دوم: اجتهاد شیعی امامی
۱۶۵	بحث اول: اصالت معنویت و تابعیت زندگی مادی - دنیوی
۱۷۰	تحلیل و بررسی
۱۷۱	بحث دوم: زمینه‌های نهی آزادی سیاسی
۱۷۸	بحث سوم: اباحه در فقه و تارم شیعه
۱۸۷	بحث چهارم: مصلحت، ولایت مطلقه فقیه و آزادی سیاسی
۱۹۱	تحلیل و بررسی
۱۹۵	پی‌نوشت‌ها
	فصل چهارم: حدود آزادی سیاسی / ۲۰۱
۲۰۳	مقدمه
۲۰۳	گفتار اول: حدود آزادی سیاسی در اندیشه‌ی شیعی امام خمینی
۲۰۶	بحث اول: امامت
۲۰۶	۱- مقام‌های امام
۲۰۷	۲- مقام اصلی امام
۲۱۵	بحث سوم: امام خمینی و مقام امام معصوم
۲۱۸	تحلیل و بررسی

۲۲۰	بحث دوم: بیعت
۲۲۰	ماهیت بیعت
۲۲۸	تحلیل و بررسی
۲۳۰	بحث سوم: مشورت
۲۳۰	مشورت به مثابه‌ی تداوم آزادی سیاسی
۲۴۱	تحلیل و بررسی
۲۴۳	بحث چهارم: امر به معروف و نهی از منکر
۲۴۵	جایگاه دینی - سیاسی امر به معروف و نهی از منکر
۲۵۳	تحلیل و بررسی
۲۵۴	گفتار دوم: حدود آزادی سیاسی در اندیشه‌ی اعتزالی قاضی عبدالجبار
۲۵۴	بحث اول: امامت
۲۵۵	۱- چیستی امامت
۲۵۵	۲- امامت از منظر عقل
۲۶۰	۳- امامت از منظر سراج
۲۶۵	۴- اوصاف و شرایط امام
۲۶۶	۴. الف. عدالت
۲۶۶	۴. ب. علم
۲۶۷	۴. ج. فضیلت
۲۶۹	۴. د. قریشی بودن
۲۷۱	تحلیل و بررسی
۲۷۲	بحث دوم: بیعت
۲۷۲	۱- ابطال امامت انتصابی و اثبات امامت انتخابی
۲۷۵	۲- اوصاف عقد بیعت و عاقدان امامت
۲۷۷	تحلیل و بررسی
۲۸۰	بحث سوم: امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۰	۱- حوزه‌ی اختیارات فرد و دولت

۲۸۳	۲- ابعاد دو فریضه و نقش مردم در حکومت
۲۸۵	۳- نهی از اعتقادهای فاسد
۲۸۵	۴- اهل بغی و وظیفه‌ی مردم
۲۸۶	۵- موارد عزل امام از سوی مردم
۲۸۶	۶- خطای حاکمان مشروع
۲۸۷	۷- مشورت حاکم و نظارت مردم
۲۸۸	تحلیل و بررسی
۲۹۰	پی‌نوشت‌ها
	فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌ی بحث‌ها / ۲۹۷
۳۱۷	خاتمه و نتیجه‌ی نهایی
۳۱۹	منابع و مآخذ
۳۲۵	نمایه

درآمد

اندیشه‌ی سیاسی در جهان اسلام اغلب به جای فلسفه و سیاست‌نامه، در قالب مباحث فقهی و کلامی تداوم یافته است. در این میان اندیشه‌ی سیاسی شیعه و معتزله با صبغی عقل‌گرایی و پذیرش اصل مختار بودن انسان در کارهای خود، با اندیشه‌ی سیاسی جبرگرا، متعلق به دیگر نخله‌های اسلامی، مرزبندی شده است. معترف به نیازهای سیاسی مسلمانان در دنیای امروز، پرداختن به مقوله‌ی «آزادی سیاسی» از منظر دو متفکر بزرگ شیعه و معتزله در بستر فقه و کلام به منظور درک و تبیین فهم عمومی امتناع‌ها و اقتضاهای درونی آزادی سیاسی موجود در اندیشه‌ی پیشینیان که سهم عمده‌ای در شیوه‌ی اندیشیدن ما در وضعیت کنونی داشته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد. دو مقوله‌ی «عقل» و «اختیار» در بحث‌های کلامی با تفسیرهای گوناگونی که از آنها به عمل آمده، جایگاه مهمی در اندیشه‌ی سیاسی مسلمانان باز کرده و مبنای نظریه‌های سیاسی دیگر قرار گرفته‌اند. اعتبار با دو اختیاری عقل، در عرض یا در طول نقل، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در پذیرش یا رد آزادی انسان در تعیین سرنوشت اجتماعی خود برجای خواهد گذاشت. اعتقاد یا عدم اعتقاد به اختیار ذاتی انسان، ارتباط تنگاتنگی با گرایش به آزادی یا استبداد در عرصه‌ی زندگی سیاسی خواهد داشت.

در نوشته‌ی حاضر، بنیادهای آزادی سیاسی به این دو مقوله ارجاع داده شده و به تفسیرهای امام خمینی و قاضی عبدالجبار در بستر کلام و فقه شیعی و اعتزالی توجه شده است. ادعای پژوهش این است که تفسیر شیعه از عقل

در وجه کلامی - فقهی به گونه ای نیست که بتوان مبتنی بر آن به تأسیس نظامی مردم سالار که در آن آزادی سیاسی تحقق یابد، توفیق یافت. میان شیعیان، فقیهان اصولی عقل گرا، با وجود - اینکه عقل را یکی از منابع های چهارگانه ی شریعت در نظر گرفته اند، تفسیری به غایت کلی - انتزاعی از آن ارائه نموده اند و در نتیجه، در مقام عمل هیچ گاه نمی توان از چنین عقلی در فهم احکام شریعت یا تأمل مستقل از شریعت مرتبط با حوزه های سیاسی و اجتماعی بهره گرفت. در مقابل، عقل اعتزالی از آن چنان کارایی و استقلالی برخوردار است که در سایه ی آن نهاده شریعت منقول به مثابه ی ضرورتی عقلی، برداشته می شود. انسان عقل معتزلی قادر است مستقل از شریعت، مسئولیت اجتماعی خود را دریافت کرده، به صورت خودگردان به سامان دادن زندگی اجتماعی بپردازد. در عوض، در عرصه ی فقه و اعلام شیعی مقولاتی چون اصل «اباحه» در مقابل اصل «حظر» اعتزالی ملاحظاتی «فهم عرفی - عقلانی» در استنباط احکام شریعت، اعتقاد به «خطاپذیری مجیدان» توجه به اصل «مصلحت» در عمل اجتماعی و مقولات دیگری از این دست، می توانند زمینه ی مناسبی برای به جریان افتادن اراده ی متغیر بشری در عرصه ی بی انتهای تاریخ و جامعه به وجود آورند. همچنین، توجه به این مقولات در حوزه ی سیاست می تواند به تحقق آزادی سیاسی کمک کند. در مقابل، عموم معتزلی مذہبان بر این عقیده اند که انسان مدام درون مسئولیت های عقلی پیشین قرار گرفته، اصل «محظور بودن» انسان در مقام عمل، امکان به کارگیری اراده ی آزاد بشر در زندگی سیاسی و اجتماعی را با مشکل جدی روبه رو می سازد.

با طرح آزادی سیاسی متکی بر اصل «اباحه» می توان از مقوله های متعدد فقهی چون «بیعت»، «امر به معروف و نهی از منکر» و «مشورت» به تفکیک حقوق اجتماعی تک تک مؤمنان، و بلکه همه ی شهروندان در جامعه ای دینی در مقابل حاکمان و دیگر صاحبان اقتدار اجتماعی تفسیرهای تازه ای ارائه نمود. در این چار چوب، چنین مفاهیمی، بیانگر حق دخالت و مشارکت تک تک شهروندان جامعه ی دینی در امور اجتماعی است. مشورت وسیله ای برای رها شدن مؤمنان از استضعاف تاریخی - اجتماعی است. امر به معروف و نهی از

منکر مستلزم داشتن شهروندانی بالغ و عاقل در جامعه است. در فرایند بیعت، بیعت کنندگان درون تعهدهای دوجانبه قرار گرفته، مسئولیت یک سویه و حقوق یک جانبه را به مسئولیت های دوجانبه و حقوق طرفینی متقابل تبدیل خواهند نمود. بالاتر از این، آزادی سیاسی تا آن حد امکان گسترش خواهد یافت که در جامعه ی دینی حقوق، قوانین و مقررات مبتنی بر اراده های پسین، تنظیم کننده ی زندگی اجتماعی خواهد شد و شکوفایی دائمی و خرد خودافزاینده را به دنبال خواهد داشت.

به نظر می آید ترکیبی از اندیشه ی شیعی امام خمینی و اعتزالی قاضی عبدالحبار در زده های امتناع های تحقق آزادی سیاسی در ایران و بلکه جهان اسلام مؤثر خواهد بود. عقل رایی اعتزالی که امکان تأسیس حکومتی مبتنی بر خواست جامعه ی دینی را تسهیل می نماید و به مردم اجازه می دهد حاکم خود انتخاب کرده را عزل نمایند و اباح گانی در شیعه که امکان تدوین قوانین و مقررات مبتنی بر اراده ی مردم و نیز نظرات دائمی بر اقدامات صاحبان قدرت را تجویز می نماید، می توانند زمینه ساز آزادی سیاسی فراگیر در تأسیس و تداوم نظام های سیاسی گردند. این ترکیب، زمانی ممکن خواهد بود که در فرایند گفتگوهای دائمی اندیشه ی دنیا کم نگر و غفلت از پیشرفت مادی در اندیشه ی شیعه را تعدیل نماییم و از این جهت نیز توجه به اندیشه ی سیاسی معتزله که اصالتی مستقل به لذا یذ دنیوی داده اند و آن را درون نظام توحیدی باز تفسیر نموده اند، راهگشا خواهد بود. در واقع کتاب حاضر با توجه به چنین دغدغه های، پاسخ های احتمالی و راهکارهای ممکن را بررسی می نماید.

فصل اول کتاب با طرح مباحث مفهومی، واژگانی چون آزادی، معتزله، شیعه و عدلیه را از ابعاد گوناگون فلسفی، اخلاقی، عرفانی، حقوق و سیاسی، ژرف یابی می نماید. در همین فصل شخصیت علمی - فرهنگی امام خمینی و قاضی عبدالحبار معرفی شده اند.

فصل دوم به بررسی بنیادهای کلامی آزادی سیاسی در اندیشه ی شیعه و معتزله می پردازد و «عقل» و «اختیار» تکوینی بشر به مثابه ی اساس آزادی سیاسی تشریحی بررسی می گردد. در این فصل به طور خاص دیدگاه امام خمینی

و قاضی عبدالجبار در این زمینه کندوکاو می‌شود.

فصل سوم نگرش شیعه و معتزله - با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و قاضی عبدالجبار - به پدیده‌هایی چون «دین» و «دنیا» و تفسیرهای هر کدام از این مقولات را ترسیم می‌نماید.

فصل چهارم حدود آزادی سیاسی در اندیشه‌ی شیعه و معتزله را در قالب چهار مقوله‌ی «امامت»، «بیعت»، «مشورت» و «امر به معروف و نهی از منکر» بحث و دیدگاه دو اندیشمند مذکور را در این زمینه‌ها بیان می‌کند.

فصل پنجم جمع‌بندی و نتیجه‌ی بحث‌های فصل‌های پیش‌گفته را در راستای اثبات فرضیه‌ی اصلی همراه با قید و قیودات لازم نشان می‌دهد. همچنین نگارنده در زمانی که کتاب حاضر به صورت پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علم سیاسی ارائه می‌شد، از استادان خود برای راهنمایی‌ها و یافته‌های علمی آنان تشکر و قدردانی نموده است، بار دیگر بر پایه‌ی احترام و رعایت مراتب علمی آنان، از حجت الاسلام دکتر فیرجی که نه تنها در این پژوهش بلکه در بسیاری از تحقیقات علمی و راهنمایی‌های ارزنده‌ای کرده‌اند و حجت الاسلام دکتر ابوالفضل شکوری، آیت الله حاج آقا شریعتمدار که هر دو بزرگوار در دو مقطع زمانی، مشاوره‌ی این کار را به عهده گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید. اگر در این نوشته دستاوردی باشد بدون شک حاصل زکات علمی تک‌تک عالمان و اندیشمندان فرهیخته‌ای است که صاحب این قلم، سال‌ها و به شیوه‌های گوناگون از آن استفاده نموده است. همچنین ارزش‌ها و خطاهای بسیار در نوشته‌ی حاضر از ناتوانی نگارنده است. انتظار از خوانندگان گرامی و فرهیخته این است که با نقد و بررسی عالمانه مؤلف را در رفع کاستی‌های پژوهش حاضریاری دهند.

طرح موضوع

مسئله‌ی رابطه‌ی ایمان و آزادی در جهان اسلام، کاوش‌های متعددی را سبب شده است. دو مکتب شیعه و معتزله - از این حیث که به عقل‌گرایی و اعتقاد به اختیار و اراده‌ی انسانی مشهورند و تحت عنوان عدلیه شناخته

می‌شوند - به نحوی آزادی، اختیار و اراده انسانی را در عرصه‌ی سیاست و اجتماع نیز پذیرفته‌اند. در عین حال گرایش معتزله با گرایش شیعه فرق‌های بسیاری با هم دارند. تا آنجا که مربوط به موضوع این پژوهش می‌شود، شیعه و معتزله در مباحثی مانند امامت، رابطه دین و آزادی، امر به معروف و نهی از منکر به طور مسلم متفاوت فکر می‌کنند.

این پژوهش در صدد یافتن اشتراک‌ها و تمایزهای دو مکتب در مباحثی است که مستقیم یا غیرمستقیم به آزادی سیاسی مربوط می‌شود. در این راستا تفکر در نماینده‌ی بزرگ این دو مکتب یعنی امام خمینی (آخرین سلسله از متفکران شیعه) و فاضل عبدالحبار (کسی که در آخرین طبقه از طبقات معتزلی قرار گرفته است) را در راه‌ی مبانی آزادی و بعضی از مقولات مربوط به آن - که در لابه‌لای نوشته‌های خود بدان پرداخته‌اند - مقایسه می‌کنیم.

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که معتزله و شیعه در جایگاه دو مکتب کلامی چگونه به مسائل سیاسی از جمله آزادی سیاسی پرداخته‌اند؛ در حالی که علم کلام مستقیم یا غیرمستقیم درباره خدا بحث می‌کند. آنچه علم کلام به آن می‌پردازد اموری است که انسان مسلمان باید به آنها معتقد شود. در این علم از توحید، عدل، امامت، نبوت و چیزهای دیگر سخن به میان می‌آید. در باره‌ی توحید بحث این است که باید اعتقاد داشت که آفریننده‌ی هستی بی‌همتاست و در آفرینش و تدبیر جهان نیازی است. همچنین رابطه توحید و اوصاف خدا نیز مشخص می‌شود. در بحث عدل، متکلم در صدد اثبات عدالت الهی است. در بحث نبوت و امامت او می‌خواهد به این سؤال جواب دهد که خداوند برای هدایت بندگان چه تدابیری از جهت ترستادن کتاب‌های آسمانی و ارسال رسولان اندیشیده است. به طور خلاصه «کلام از عقاید بحث می‌کند».^(۱)

آنچه به آن اشاره شد بعد اصلی علم کلام بود. در عین حال همه آنچه متکلمان از آن بحث کرده‌اند صرفاً جنبه عقیدتی ندارد، یعنی آن چنان نیست که همه مباحثی که متفکران کلامی به آنها پرداخته‌اند منحصر در تبیین وظیفه انسان با خدا باشد؛ موضوعات فراوانی در این علم به گفتگو بین اندیشمندان تبدیل

شده است درحالی که شأن نزولش تبیین عرصه‌ی سیاست در دوره‌ای از تاریخ سیاسی مسلمانان بوده است. عرصه‌ای که تئوری پردازی هریک از طرف‌های متخاصم درصدد منطقی و مستدل نمودن موضع خود - با برگشتی گریزناپذیر به متون اصیل یا ساختگی دینی - برآمده‌اند.

بنابراین شیعه، معتزله و بسیاری از مکاتب کلامی جهان اسلام مانند جبره (جبرگرایان)، اشاعره (جبرگرایان معتدل)، اهل حدیث و خوارج، هم‌زمان دو تفسیر فکری - عقیدتی و فکری - سیاسی را برمی‌تابند. مباحثی هم که در گفتمان‌های هریک از این مکاتب عرضه شده درعین حال که بسیاری از آنها - بیشتر جنبه عقیدتی صرف دارند، بسیاری نیز معطوف به واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی آن زمان با بحث توحید که میان متکلمان اسلامی بیشتر جنبه عقیدتی محض دارد بحث جبر و اختیار اصولاً در یک دوره‌ی خاص تاریخی - سیاسی بسط و توسعه یافته است.

قاضی عبدالجبار در برده‌ی اصول پنج‌گانه معتزله (توحید - عدل - المنزلت - بین المنزلتین - وعد و وعید - امر به معروف و نهی از منکر) که چرا اصولشان پنج‌تاست جوابی می‌دهد که نشانگر تاریخی بودن آن اصول است: «هرکس که مخالف الحادگرایان، قائلان به تعطیل فکر، زمانه‌پرستان و قائلان به تشبیه خدا به غیر خدا باشد چنین کسی پذیرنده اصل توحید معتزلی است. تمامی کسانی که مخالف جبرگرایان هستند، اصل عدل معتزلی را پذیرفته‌اند. مخالفان عقیده مرجئه [محافظه‌کاران اعتدالی که امیدوارند همه مسلمانان به بهشت بروند و محافظه‌کاران سیاسی که با آزادی‌خواه گروه‌ها در داخل جامعه اسلامی موافق‌اند] اصل وعد و وعید معتزلی را قبول دارند، و هرکس که با خوارج مخالف است در واقع اصل منزلت بین المنزلتین را پذیرفته است؛ همچنین کسانی که امر به معروف و نهی از منکر معتزلی را قبول دارند تماماً با شیعه امامی مخالف‌اند.»^(۳)

این اعتراف نشانگر تاریخی بودن بسیاری از این اصول است. فرقه‌های مخالف مذکور در عبارت بالا، هر کدام در دوره‌ای خاص از تاریخ سیاسی جهان اسلام پیدا شده‌اند. مثلاً جبرگرایان در دوره بنی امیه از نظریه پردازان آنها به شمار

می آمدند و حکومت جبارانه‌ی آنها را توجیه می کردند و رنگ و لعاب دینی می دادند. بدین ترتیب روشن است که بسیاری از این اصول برای معتزله در یک رقابت سیاسی، علمی در شرایطی خاص از تاریخ و جغرافیا تولد یافته است و بالتبع سایر مکاتب هم که در این رقابت شرکت داشته اند اصول دیگری را اختراع کرده اند.

اشاره می کنم که به سبب همین نکته (تاریخی بودن مباحث نه اعتقادی محض بودن آنها) جعفر سبحانی به قاضی عبدالجبار و بسیاری از کسانی که مخالفان حد را کافر، منکر، فاسق و غیره خطاب می کنند، اعتراض می نماید و مدعی می شود که برای رسیدن به وحدت دینی، اصول کلامی را از اصول محض دینی جدا کنیم: «محقق اهل انصاف و حقیقت جو، بین اصول دینی و کلامی تفکیک می نماید. در این میان هنگامه‌ای است که بین امت اسلامی وحدت حاصل می شود و گروه های مختلف دینی به هم نزدیک می گردد و از مجادلات و کشمکش های کشنده کاسه می شود.»^(۳)

به هر حال یکی از مباحثی که در علم کلام و گروه عدلیه و مجتبه را به وجود آورده، بحث «عدل» است. این بحث وقتی در باره خدا مطرح می گردد، مربوط به عادل یا جائر بودن ذات پاک الهی است و اما وقتی در باره انسان از آن گفتگو می شود، به مسئله آزادی و اختیار انسان یا مجبور بودن ذاتی او (به عنوان بحثی فلسفی) و بالتبع آزادی و مطاع مطلق بودن او در عرصه سیاست و اجتماع (به عنوان بحثی سیاسی - اجتماعی) برمی گردد. نگاشته نیز با توجه به عنوان پژوهش - از همین بعد (انسانی) به مسئله نگاه خواهد کرد.

یکی از موضوعات مهم مورد بحث و گفتگو میان مسلمانان از صدر اسلام تا کنون - که تحت موضوع «عدل» از آن سخن می گویند - راجع به آزادی یا مجبور بودن انسان است. برخلاف گمان بسیاری از مستشرقان که ریشه این موضوع را به تأثیر پذیری اعراب از افکار یونان باستان، برمی گردانند، مایه های اصلی آن داخل تاریخ سیاسی خود جهاد اسلام قرار دارد.

اسلام در حالی در جزیره العرب نمایان شد که تفکر جبری بر آن غلبه داشت. اسلام آزادی و اختیار را در مقابل تفکر جبری مطرح ساخت. به تعبیر محمد

عمار: «بر تفکر عرب قبل از اسلام، جبرگرایی سایه انداخته بود و اسلام و قرآن در برابر، به نفع آزادی انسان و اختیار او موضع گرفتند و با افکار جبری تقدیرگرا به مبارزه برخاستند.»^(۴) روایات فراوانی از دوره‌ی خود پیامبر ﷺ باقی مانده که نشانگر بقای رسوبات تفکر جبری است و لذا پیامبر ﷺ مدام علیه جبر استدلال می‌نمودند. برای نمونه «شخصی از پیامبر ﷺ سؤال می‌کند که خداوند چه زمانی بر بندگانش رحمت نازل می‌کند؟ حضرت در جوابش می‌فرماید: اینکه گناهان را انجام ندهند و بعد بگویند آن گناهان از خدا بوده است.»^(۵) این تفکر در زمان حاشمیان راشد پیامبر ﷺ نیز وجود داشته است؛ به نحوی که علاوه بر شیعه معتزله نیز معتزف‌اند که سلسله افکارشان به حضرت علی علیه السلام منتهی می‌شود. البته سلسله اسناد اتصالی آنها با سلسله اسناد شیعه فرق می‌کند:

«معتزله در سلسله افکارشان در باب حریت و آزادی به علی علیه السلام مراجعه می‌کنند. اسماعیل فزاری در مقدمه کتاب شرح الاصول الخمسه قاضی عبدالجبار می‌گوید: «اصول معتزله از نجم الدین برگرفته شده است... و او نیز از واصل عطا و او از محمد حنفیه و او نیز از علی علیه السلام گرفته است.»^(۶)

از طرف دیگر عصار اموی که حکومت مستبدانه‌ای داشتند به جبر دامن می‌زدند و برای توجیه جنایات خود متفکران جبرگرا را استخدام می‌نمودند. بسیاری از آزادی‌خواهان در قرن اول دوم در این راه به مسلخ رفتند که کشته شدن غیلان دمشقی به جرم آزادی‌خواهی در دست هشام بن عبدالملک در سال ۱۰۵ هـ. ق تنها یک نمونه است.^(۷) به‌طور کلی بر اساس گزارش‌های متعدد تاریخی در دوره‌ی بنی امیه آزادی‌خواهی نوعی جدت به حساب می‌آمده است.

یزید ولید معتزلی (متوفی ۱۲۶) وقتی ولید یزید، حاکم جبار اموی را می‌کشد، مروان حمار در مقام توهین و تحقیر یزید می‌گوید: «انما قتله قدریة غیلانیة»^(۸) ولید

۱. «بل إن المعتزله يرجعون بسلسلة افکارهم فی هذا الباب [الحرية والاختيار] الى أمير المؤمنين علی بن ابی طالب، ففی مقدمة شرح القاضي عبد الجبار للاصول الخمسة عند المعتزلة بتعلیق ابی احمد إسماعیل بن الفزاری یقول، انه اخذ هذه الأصول من الفقیه الإمام الأوحّد نجم الدین... و هو عن واصل بن عطاء. و هو عن أبی هاشم محمد بن الحنفیة و هو عن أبیه أمير المؤمنين علی علیه السلام...»

را قدری گرای (صفت معتزلیان اولیه)، غیلانی (از اولین متفکران معتزلی که به دست هشام کشته شد) کشت.» در این عبارت دو واژه‌ی «قدری» و «غیلانی» به عنوان دو مفهوم منفور بین مسلمانان به کار رفته است.

به طور خلاصه بحث عدل و مسئله آزادی و اجبار انسان از تحولات داخلی خود جهان اسلام زاده شد و دو دیدگاه عمده‌ی عدلیه (حامیان آزادی و اختیار انسان و مسئول بودن او در قبال کار خود) و مجتبره (کسانی که انسان را در خود و بالتبع امور زندگی اجتماعی مجبور می‌بینند) را به وجود آورد. از دیدگاه اول دو مکتب بزرگ شیعه و معتزله سر برآورده‌اند. این دو فرقه بزرگ مذهبی در حالی که اختلاف عمده‌ای بین خود دارند؛ اما برای نفی جبرگرایان در یک جهت قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر طی پنج فصل که فصل اول آن به مباحث مفهومی اختصاص خواهد یافت، درصدد بررسی این دو نخله فکری درباره‌ی آزادی سیاسی است که بر دو نماینده‌ی بزرگ آنان یعنی امام خمینی و قاضی عبدالحبار است.

پی نوشت ها

۱. محمد هادی معرفت، «گفتگو با آیت الله معرفت و آیت الله محسنی» علوم سیاسی، سال اول، ش. دوم، پاییز ۱۳۷۷.
۲. کتاب به:
۳. فاضل عبدالحجیب، شرح الاصول الخمسه، تحقیق د. عبدالکریم عثمان، طبعه القاہرہ: سنۃ ۱۹۶۵، ص ۱۲۱.
۴. جعفر سبحانی، انجاث فی الملل والنحل، ج ۳، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۲۴۸.
۵. جعفر سبحانی، انجاث فی الملل والنحل، الطبعۃ الاولی، ج ۳، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۲۳۰.
۶. محمد عمارہ، المعتزلة ومسئله الخیرۃ الانسانیۃ، الطبعۃ الثانیۃ، بیروت: المؤسسة العربیۃ للدراسات و النشر، الطبعۃ الثانیۃ، ۱۹۸۸، ص ۹۰.
۷. همان، ص ۲۰.
۸. همان، ص ۲۳.
۹. جعفر سبحانی، انجاث فی الملل والنحل، ج ۳، پیشین، ص ۱۳.
۱۰. بلاذری، انساب الاشراف، الطبعۃ الاولی، ج ۴، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ هـ. ق. ۱۹۹۶ م، ص ۱۹۹.